



سال ۹۷؛ پریشانی و کم‌فراز

به روزهای پایانی سال ۱۳۹۷ نزدیک می‌شویم. در حالی که نگرانی‌های جدی پیرامون تدارک اقلام عید برای دهک‌های پایینی و میانی درآمدی وجود دارد.

چه از جانب خانوار ایرانی چه از جانب مسوولان امر. آن‌گونه که چندی پیش رییس اتحادیه قنادان و شیرینی‌پزان پیش‌بینی کرده امسال ۴۰ درصد خرید شیرینی کاهش خواهد یافت و احتمالاً اقلامی مانند آجیل که حضورش در سفره ایرانیان جزو آداب و رسوم کهن ملی است و حالا برای بسیاری از خانواده‌ها تبدیل به کالای لوکس شده از سبد عیدانه آنها حذف شود.

به گزارش تعادل، چنین پیش‌بینی چندان دور از ذهن هم نیست وقتی اکنون بسیاری برای خرید کالاهای اساسی مانند گوشت با تجربه تورم ۹۰ درصدی دچار مشکل شده‌اند. آنچه امروز بر اقتصاد ایران می‌رود را کمتر کسی می‌توانست پیش‌بینی کند.

گرچه سال گذشته و در انتهای سال ۱۳۹۶ که اندک اندک نوسانات ارز بعد از چند سال تجربه ثبات نسبی بروز می‌کرد بسیاری آن را نشانه بروز شوک تورمی در کوتاه‌مدت در اقتصاد ایران می‌دانستند ولی رسیدن قیمت دلار تا ۲۰ هزار تومان و تورم‌های ماهانه تا ۶ درصدی اعدادی نبود که حتی محافل کارشناسی انتظارش را داشته باشند. همان‌هایی که حتی در گذشته نیز بارها نسبت به رشد افسارگسیخته نقدینگی - که مسعود نیلی از آن به عنوان بمب ساعتی یاد کرده بود - و همچنین سرکوب قیمت ارز، بالا بودن نرخ سود بانکی و تأثیرش بر افزایش نقدینگی و... هشدار داده بودند. بسیاری این وضعیت را بیش از همه دلایل، به آنچه در عالم سیاست اتفاق افتاده مربوط می‌دانند. یعنی آنچه ورود ارز را به ایران محدود کرده و تأثیر روانی آن بر جامعه بروز بحران در بازارها را رقم زده است.

شوکه اردیبهشتی ترامپ

اردیبهشت سال جاری بود که دونالد ترامپ،

رییس‌جمهور امریکا یک جانبه از برجام خارج شد. در ابتدای امر خروج یک جانبه امریکا از برجام چندان خطیر به نظر نمی‌آمد چرا که لحظاتی بعد از نطق ترامپ و اعلام موضع کاخ سفید درباره برجام، فدریکا موگرینی نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی اعلام کرد که اتحادیه اروپا به برجام پایبند است و برای اجرای آن عزم جدی دارد. او البته از ایران نیز خواست پایبندی خود به برجام را نشان داده و همه برای حفظ تفاهمی که کمتر از دو سال پیش میان ایران و قدرت‌های بزرگ جهان صورت گرفته بود، تلاش کنند.

این موضع‌گیری اتحادیه اروپا تا حدودی بسیاری را به حفظ برجام و بهره‌مندی از عواید اقتصادی آن برای ایران امیدوار کرد. چرا که از ابتدا نیز مبادلات تجاری چندانی میان ایران و امریکا برقرار نبوده و حجم مبادلات دو کشور سالانه به زحمت به ۲۰۰ میلیون دلار می‌رسید. اما این همه ماجرا نبود.

امریکا برای به هم زدن بازی فقط به خروج خودسرانه خود از برجام اکتفا نکرد. مدتی بعد گزارش‌هایی از شرکت‌های اروپایی رسید که نشان می‌داد در امریکا دستگاه‌هایی هستند که با شرکت‌های طرف معامله ایران تماس گرفته و به طرق مختلف آنها را تهدید می‌کنند که اگر به برقراری روابط اقتصادی خود با ایران ادامه دهند قطع رابطه و تحریم از سوی امریکا و شرکت‌های امریکایی در انتظارشان است.

با توجه به حجم گسترده‌تر مبادلات آن شرکت‌ها با امریکا رفته رفته بسیاری از شرکت‌هایی که در فضای پسابرجام به ایران آمده بودند، یا بار سفر بستند یا مبادلات خود را بسیار محدودتر کردند. از توتال گرفته تا پژو.

موضوع مهم‌تری از مساله تردید و خروج شرکت‌ها که اقتصاد ایران را تهدید می‌کرد، مساله ایجاد محدودیت در فروش نفت بود. فروش نفت ایران که در اواخر دولت

یازدهم و در شرایط پسابرجام به روزانه تا ۲ میلیون ۷۰۰ هزار بشکه در روز رسیده بود، بار دیگر با محدودیت روبه‌رو شد و رفته رفته به ۱۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. و با توجه به وابستگی بودجه دولتی به نفت برای بسیاری این شائبه را ایجاد کرد که احتمالاً دولت در تامین نیازهای بودجه‌ای خود با کسر بودجه شدید روبه‌رو شد و دست به اقدامات تورم‌زا خواهد زد.

در چنین فضایی نا اطمینانی نسبت به آینده اقتصاد ایران، بازارها را به هم ریخته و بیم از کمبود ارز در آینده بسیاری را برآن داشت که سرمایه‌های ولو اندک خود را به سمت بازار ارز و سایر بازارهایی که پیش‌بینی می‌شد کمتر از جریان کاهش ارزش مصون می‌مانند گسیل دارند.

در کنار این دست‌های پنهان دلالتان و سفته‌بازان هم به میدان آمده و با انگیزه سودجویی به التهاب حاکم بر بازارها و به ویژه بازار ارز دامن زد. بازار ارزی که التهاب آن معمولاً به کل اقتصاد سایه می‌اندازد و این بار نیز مستثنی نبود و با فاصله کوتاهی خود را در افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات مصرفی مردم نشان داد.

همان‌طور که آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد نرخ تورم نقطه‌ای در بهمن ماه به ۴۳ درصد رسیده و قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز ۶۴ درصد افزایش یافته است. تورم سالانه نیز در بهمن ماه ۲۳ درصد اعلام شده است.

پیش‌تر صندوق بین‌المللی پول نیز در پیش‌بینی‌های خود درباره تورم اقتصاد ایران عنوان کرده بود که برای سال جاری تورم ۲۹ درصدی در اقتصاد ایران را پیش‌بینی می‌کند. هر چند که صندوق پیش‌تر و در شرایط پسابرجام و قبل از خروج امریکا از برجام در گزارش‌های خود از حاکم شدن ثبات بر اقتصاد ایران خبر داده بود و تورم این سال‌ها را (سال ۹۷ و ۹۸) را در حدود ۱۰ درصد پیش‌بینی کرده بود.

دور مخرب کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری

التهابات اخیر اقتصاد ایران به روی رشد اقتصادی هم تاثیر گذار بود. همان طور که پیشتر نیز کارشناسان پیش بینی کرده بودند که با افزایش قیمت ها و به تبع آن رشد قیمت مواد اولیه و کالاهای مصرفی و... در کنار کاهش تقاضا برای بسیاری از کالاها، رکود بنگاه های اقتصادی تشدید خواهد شد.

حالا این پیش بینی در آمارهای منتشر شده از سوی منابع رسمی نیز قابل مشاهده است. طبق آخرین اطلاعاتی که مرکز آمار ایران از وضعیت رشد اقتصادی سال ۱۳۹۷ اعلام کرده است، رشد اقتصادی شش ماهه نخست سال جاری ۰/۴ درصد با احتساب نفت و ۰/۳ درصد بدون احتساب نفت بوده است.

زیر شاخه های رشد اقتصادی نیز نشان می دهد که وضعیت زیر گروه ها چندان مساعد نیست و بخشی که رشد را همچنان مثبت نگه داشته بخش خدمات با عملکرد ۲/۳ درصد است و بخش صنعت منفی ۱/۲ و بخش کشاورزی منفی ۲/۵ درصد رشد داشته اند.

البته بنا بر پیش بینی ها زور خدمات به مثبت نگه داشتن رشد کل سال نخواهد رسید. آن گونه که مرکز پژوهش های مجلس پیش بینی کرده رشد ۹۷ احتمالا برای کل سال در بازه منفی ۰/۵ تا منفی ۲/۵ درصد خواهد بود. صندوق بین المللی نیز پیش بینی نزدیکی دارد.

طبق آنچه صندوق گفته احتمالا رشد اقتصادی ۹۷ در حدود ۱/۵ درصد باشد. پیش تر و قبل از خروج امریکا از برجام پیش بینی صندوق از رشد اقتصادی ایران در حدود ۴ درصد بود. رشد اقتصادی معمولا نقش مستقیمی در نرخ بیکاری دارد.

بنابر آنچه که محافل کارشناسی اعلام می کنند با کاهش عملکرد بنگاه های اقتصادی و میل بسیاری از بنگاه ها به تعدیل نیروهای خود و همچنین عدم افزایش ظرفیت تازه برای جذب نیرو، پیش بینی ها بر این است که به زودی کاهش رشد اقتصادی خود را در افزایش نرخ بیکاری نشان دهد.

نقش عوامل داخلی در التهاب بازارها

نکته ای که بسیاری از کارشناسان یادآوری می کنند این است که در بررسی التهابات اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷

نباید به نقش عوامل داخلی بی توجه بود.

بسیاری به برخی سیاست گذاری های نادرست اقتصادی از قبیل عدم مهار رشد افسار گسیخته نقدینگی، عدم مدیریت رفتار بی ضابطه بانک ها، سرکوب نرخ ارز در سال های گذشته و به ویژه تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومانی برای ارز در سال جاری و همچنین عدم اهتمام کافی برای بهبود فضای کسب و کار سخن می گویند.

همچنین موضوع رکود بنگاه های کوچک و متوسط هم هست که بنابر گزارش ها حتی در دوران رشد اقتصادی سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ از رونق لازم برخوردار نشده بودند و مورد غفلت سیاست گذاران قرار گرفته بودند و با ظرفیت ۵۰ درصدی کار می کردند.

در حالی که اگر سیاست گذار برای رونق این بنگاه ها تدابیری می اندیشید با توجه به نقش این بنگاه ها در ایجاد اشتغال حداقل تا حدودی در مهار بحران بیکاری موفق تر ظاهر می شد. بودجه دولت و درآمدها و مخارج آن نیز در نوک پیکان حملات است.

استخدام های اضافه و عدم تعیین تکلیف مشاغلی که کارایی لازم ندارند و در عین حال به کار نبستن نظام مناسب حقوق و دستمزد که بر مبنای آن به هر فرد به میزان ارزش افزوده ای که تولید کرده است حقوق پرداخت می شود، جزو انتقاداتی است که به برنامه ریزان اقتصادی کشور می شود. این موضوع به ویژه در شرایط پیش بینی کمبود در منابع حایز اهمیت است.

گره ای که به دست مالیات باز می شود

در کنار این مورد، در بخش مخارج، موضوع دستگاه های بودجه خوار نیز مطرح است. دستگاه هایی که خروجی آنها و ارزش افزوده ای که ایجاد می کنند چندان شفاف نیست ولی همه ساله بخشی از منابع بودجه را می بلعند. دولت در بخش درآمدهای بودجه ای خود نیز همواره مورد انتقاد است. اکنون ۴۰ درصد اقتصاد ایران از پرداخت مالیات معاف است و در عین تا ۵۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی برآورد شده.

در عین حال از پایه های مالیاتی مهمی مانند مالیات بر عایدی سرمایه و همچنین مالیات از سود بانکی نیز تاکنون غافل بوده ایم. به این ترتیب دولت فرصت طلائی که بتواند نظام مالیاتی کشور را اصلاح کرده و

مخارج آن را بر آن بنا کرده تا از شوک های خارجی در امان بماند از دست داده است.

علاوه بر همه آنچه گفته شد، عدم تعیین تکلیف با برخی نهادها و ارگان های بین المللی مانند FATF هم بر زحمت افزوده است. طبق آنچه معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه عنوان کرده اکنون حتی کشورهایی مانند عراق و چین که جزو شرکای اقتصادی ایران به حساب می آیند و در شرایط تحریم که کمتر می توان به ابتکارات اروپایی برای برقراری روابط اقتصادی با ایران امید بست، مفری برای مقابله با تحریم ها به شمار می آیند، ادامه روابط اقتصادی خود را مشروط به بهبود جایگاه ایران در رده بندی FATF کرده اند.

با این حال هنوز لوائح مربوط به پیش شرط های FATF برای خروج دایم از لیست سیاه مدام از مجمع تشخیص مصلحت نظام به شورای نگهبان پاسکاری می شود و افق روشنی هم برای تصمیم گیری در این رابطه وجود ندارد.

افق پیش رو

صندوق بین المللی پول برای سال آینده رشد اقتصادی ایران را منفی ۳/۵ پیش بینی کرده. تورم نیز وضعیت مساعدی ندارد. طبق انتظارات صندوق تورم برای سال آینده معادل ۳۵ درصد خواهد بود که البته بسیاری این پیش بینی را خوش بینانه می دانند.

هر چند صندوق اعلام کرده که انتظار دارد در سال ۲۰۲۰ وضعیت ایران تغییر کرده و شاخص های اقتصادی به ثبات نسبی برسند ولی با این حال موضوع تاب آوری اجتماعی هم هست و بسیاری نسبت به وضعیت سال آینده و تبعات آن هشدارهایی را مطرح می کنند.

روشن است که نمی توان چشم امید چندانی نسبت به دگرگونی مواضع امریکا یا تغییرات یک شبه به مسوولان کاخ سفید داشت در عین حال با توجه به روند طی شده با اروپا شاید کمتر کسی اکنون به ابتکارات اینستکسی اروپا هم چشم امید داشته باشد.

شاید در چنین شرایطی آنچه انتظار می رود سیاست گذاران به کار برند تغییر رویکرد و رویه های داخلی باشد. یعنی تغییر مسیری که تاکنون به عدم اصلاح نظام مالیاتی، نظام بانکی، نظام بودجه ریزی و... شده و وضعیت تعامل با برخی نهادهای بین المللی را تعیین تکلیف نکرده است.